

- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (75)
- به نام خداوند رحمتگر مهربان
 (باز آن مرد عالم) گفت به تو نگفتم تو هرگز توانائی نداری
 با من صبر کنی؟! (75)
- قَالَ إِنْ سَأَلْتِكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا (76)
- (موسی) گفت اگر بعد از این از تو درباره چیزی سؤال کنم
 دیگر با من مصاحبت نکن، چرا که از ناحیه من دیگر معذور
 خواهی بود! (76)
- فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا فَأَبْوَا أَنْ يُضَيِّقُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقُصَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا (77)
- باز به راه خود ادامه دادند، تا به قریه‌ای رسیدند، از آنها
 خواستند که به آنها غذا دهند، ولی آنها از مهمان کردنشان
 خودداری نمودند (با اینحال) آنها در آنجا دیواری یافتند که
 می‌خواست فرود آید، (آن مرد عالم) آنرا برپا داشت،
 (موسی) گفت (لااقل) می‌خواستی در مقابل این کار اجرتی
 بگیری؟! (77)
- قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأْتَبُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا (78)
- او گفت اینک وقت جدائی من و تو فرا رسیده است، اما به
 زودی سر آنچه را که نتوانستی در برابر آن صبر کنی برای
 تو بازگو می‌کنم. (78)
- أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا (79)
- اما آن کشتی متعلق به گروهی از مستمندان بود که با آن
 در دریا کار می‌کردند و من خواستم آنرا معیوب کنم (چرا
 که) پشت سر آنها پادشاهی ستمگر بود که هر کشتی را از
 روی غصب می‌گرفت. (79)
- وَأَمَّا الْعُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا (80)
- و اما آن نوجوان پدر و مادرش با ایمان بودند، ما نخواستیم
 او آنها را به طغیان و کفر وادارد. (80)
- فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاءً وَأَقْرَبَ رَحْمًا (81)
- ما اراده کردیم که پروردگارشان فرزند پاکتر و پرمحبت تری
 بجای او به آنها بدهد. (81)
- وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِيعْ عَلَيْهِ صَبْرًا (82)
- و اما آن دیوار متعلق به دو نوجوان یتیم در آن شهر بود، و
 زیر آن گنجی متعلق به آنها وجود داشت و پدرشان مرد
 صالحی بود، پروردگار تو می‌خواست آنها به حد بلوغ برسند،
 و گنجشان را استخراج کنند، این رحمتی از پروردگارت
 بود، من به دستور خود این کار را نکردم، و این بود سر
 کارهایی که توانائی شکیبائی در برابر آنها نداشتی! (82)
- وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقُرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا (83)
- و از تو در باره «ذو القرنین» سؤال می‌کنند، بگو به زودی
 گوشه‌ای از سرگذشت او را برای شما بازگو خواهم کرد.
 (83)
- إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَاتِّبَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا (84)
- ما به او در روی زمین قدرت و حکومت دادیم و اسباب هر

چیز را در اختیارش نهادیم. (84)

او از این اسباب پیروی (و استفاده) کرد. (85)

تا به غروبگاه آفتاب رسید (در آنجا) احساس کرد که خورشید در چشمه (یا دریا) ی - تیره و گل آلودی فرو می‌رود، و در آنجا قومی را یافت، ما گفتیم ای ذو القرنین! آیا می‌خواهی مجازات کنی و یا پاداش نیکویی را در باره آنها انتخاب نمائی؟ (86)

گفت اما کسانی که ستم کرده‌اند آنها را مجازات خواهیم کرد سپس، به سوی پروردگارشان باز می‌گردند و خدا آنها را مجازات شدیدی خواهد نمود. (87)

و اما کسی که ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد پاداش نیکو خواهد داشت، و ما دستور آسانی به او خواهیم داد. (88)

سپس (بار دیگر) از اسبابی که در اختیار داشت بهره گرفت. (89)

تا به خاستگاه خورشید رسید (در آنجا) مشاهده کرد که خورشید بر جمعیتی طلوع می‌کند که جز آفتاب برای آنها پوششی قرار نداده بودیم. (90)

(آری) این چنین بود (کار ذو القرنین) و ما به خوبی از امکاناتی که نزد او بود آگاه بودیم. (91)

(باز) از اسباب مهمی (که در اختیار داشت) استفاده کرد. (92)

(و همچنان به راه خود ادامه داد) تا به میان دو کوه رسید، و در آنجا گروهی غیر از آن دو را یافت که هیچ سخنی را نمی‌فهمیدند! (93)

(آن گروه به او) گفتند ای ذو القرنین یا جوج و ماجوج در این سرزمین فساد می‌کنند آیا ممکن است ما هزینه‌ای برای تو قرار دهیم که میان ما و آنها سدی ایجاد کنی؟ (94)

(ذو القرنین) گفت: آنچه را خدا در اختیار من گذارده بهتر است (از آنچه شما پیشنهاد می‌کنید) مرا با نیروئی یاری کنید، تا میان شما و آنها سد محکمی ایجاد کنم. (95)

قطعات بزرگ آهن برای من بیاورید (و آنها را به روی هم چینند) تا کاملاً میان دو کوه را پوشانید، سپس گفت (آتش در اطراف آن بیافروزد و) در آتش بدمید، (آنها دمیدند) تا قطعات آهن را سرخ و گداخته کرد، گفت (اکنون) مس

فَاتَّبَعَ سَبَبًا (85)

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ
وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّمَا أَنْتَ تُعَذِّبُ وَإِنَّمَا
تَتَّخِذُ فِيهِمْ حُسْنًا (86)

قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا
نُكْرًا (87)

وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ
أَمْرِنَا يُسْرًا (88)

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا (89)

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ
لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا (90)

كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا (91)

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا (92)

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ
يَفْقَهُونَ قَوْلًا (93)

قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّا يَا جُوجَ وَمَا جُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ
فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا (94)

قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ
وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا (95)

آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا
حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا (96)

فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا (97)

دوب شده برای من بیاورید تا به روی آن بریزم. (96)
(سرانجام آنچه‌ان سد نیرومندی ساخت) که آنها قادر نبودند
از آن بالا روند و نمی‌توانستند نقبی در آن ایجاد کنند.

(97)

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ
وَعْدُ رَبِّي حَقًّا (98)

گفت این از رحمت پروردگار من است اما هنگامی که وعده
پروردگارم فرا رسد آنرا در هم می‌کوبد و وعده پروردگارم
حق است. (98)

وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ
فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا (99)

در آن روز (که جهان پایان می‌گیرد) ما آنها را چنان رها
می‌کنیم که درهم موج می‌زنند و در صور دمیده می‌شود و
ما همه را جمع می‌کنیم. (99)

وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا (100)

در آن روز جهنم را به کافران عرضه می‌داریم (100)
همانها که چشمهایشان در پرده بود و به یاد من نیفتادند، و
قدرت شنوایی نداشتند! (101)

الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنْ ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ
سَمْعًا (101)

آیا کافران گمان کردند می‌توانند بندگان مرا به جای من
اولیای خود انتخاب کنند. ما برای کافران جهنم را منزلگاه
قرار دادیم. (102)

أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ ذُنُوبِهِمْ أُولِيَاءَ إِنَّا
أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا (102)

بگو آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین (مردم) در کارها،
چه کسانی هستند؟ (103)

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا (103)

آنها که تلاشهایشان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده؛ با
اینحال می‌پندارند کار نیک انجام می‌دهند! (104)

الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ
يُحْسِنُونَ صُنْعًا (104)

آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و لقای او کافر
شدند، به همین جهت اعمالشان حبط و نابود شد، لذا روز
قیامت میزانی برای آنها برپا نخواهیم کرد. (105)

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا
نَقِيمَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَرَأْنَا (105)

اینگونه کیفر آنها دوزخ است، بخاطر آنکه کافر شدند و آیات
من و پیامبرانم را به باد استهزاء گرفتند. (106)

ذَلِكَ جَزَاءُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَتَتَّخِذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا
(106)

اما کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند باغهای
فردوس منزلگاهشان است. (107)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ
نُزُلًا (107)

آنها جاودانه در آن خواهند ماند و هرگز تقاضای نقل مکان
از آنجا نمی‌کنند. (108)

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا (108)

بگو اگر دریاها برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرکب
شوند، دریاها پایان می‌گیرند پیش از آنکه کلمات پروردگارم
پایان یابد، هر چند همانند آن (دریاها) را به آن اضافه کنیم!
(109)

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ
كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا (109)

بگو من فقط بشری هستم همچون شما (امتیازم این است
که) به من وحی می‌شود که معبود شما تنها یکی است،
پس هر کس امید لقای پروردگارش را دارد باید عمل صالح

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ
كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ
أَحَدًا (110)

انجام دهد، و کسی را در عبادت پروردگارش شریک نکند.
(110)

سوره 19: مریم

به نام خداوند رحمتگر مهربان
کهیصص (1)

این یادی است از رحمت پروردگار تو نسبت به بنده‌اش
زکریا. (2)

در آن هنگام که پروردگارش را در خلوتگاه (عبادت) خواند.
(3)

گفت پروردگارا! استخوانم سست شده و شعله پیری تمام
سرم را فرا گرفته و من هرگز در دعای تو از اجابت محروم
نمی‌شدم. (4)

و من از بستگانم بعد از خودم بیمناکم (که حق پاسداری از
آئین تو را نگاه ندارند) و همسرم نازا است، تو به قدرت
جانشینی به من ببخش. (5)

که وارث من و آل یعقوب باشد و او را مورد رضایت قرار
ده. (6)

ای زکریا! ما تو را به فرزندی بشارت می‌دهیم که نامش
یحیی است، پسری همانم پیش از این نبوده است. (7)
گفت: پروردگارا! چگونه فرزندی برای من خواهد بود در
حالی که همسرم نازا است، و من نیز از پیری افتاده شده‌ام؟!
(8)

فرمود: اینگونه پروردگارت گفته (و اراده کرده) این بر من
آسان است من قبلا تو را آفریدم و چیزی نبود! (9)
عرض کرد: پروردگارا! نشانه‌ای برای من قرار ده. گفت نشانه
تو این است که سه شبانه روز قدرت تکلم (با مردم) نخواهی
داشت، در حالی که زبان تو سالم است. (10)

او از محراب عبادتش به سوی مردم بیرون آمد و با اشاره به
آنها گفت صبح و شام (به شکرانه این نعمت) خدا را تسبیح
گوئید. (11)

ای یحیی! کتاب (خدا) را با قوت بگیر، و ما فرمان نبوت (و
عقل کافی) در کودکی به او دادیم. (12)

و به او رحمت و محبت از ناحیه خود بخشیدیم، و پاکی
(روح و عمل) و او پرهیزگار بود. (13)

او نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و جبار (و متکبر) و

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
کهیصص (1)

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا (2)

إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا (3)

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ
بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا (4)

وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي
مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا (5)

يَرْتَبِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا (6)

يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ
سَمِيًّا (7)

قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ
مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا (8)

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ
تَكْ شَيْئًا (9)

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ
سَوِيًّا (10)

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً
وَعَشِيًّا (11)

يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا (12)

وَحَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَزَكَوَةً وَكَانَ تَقِيًّا (13)

وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبْرًا عَصِيًّا (14)

عصیانگر نبود. (14)

و سلام بر او آن روز که تولد یافت، و آن روز که می‌میرد، و آن روز که زنده و برانگیخته می‌شود. (15)

در این کتاب (آسمانی قرآن) از مریم یاد آر، آن هنگام که از خانواده اش جدا شد و در ناحیه شرقی قرار گرفت. (16) و حجابی میان خود و آنها افکند (تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد) در این هنگام ما روح خود را به سوی او فرستادیم و او در شکل انسانی بیعیب و نقص بر مریم ظاهر شد. (17)

او (سخت ترسید و) گفت من به خدای رحمن از تو پناه می‌برم اگر پرهیزگار هستی. (18)

گفت من فرستاده پروردگار توام (آمده‌ام) تا پسر پاکیزه‌ای به تو ببخشم! (19)

گفت چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد در حالی که تاکنون انسانی با من تماس نداشته، و زن آلوده‌ای هم نبوده‌ام؟! (20)

گفت مطلب همین است که پروردگارت فرموده، این کار بر من سهل و آسان است، ما می‌خواهیم او را نشانه‌ای برای مردم قرار دهیم و رحمتی از سوی ما باشد، و این امری است پایان یافته (و جای گفتگو ندارد). (21)

سرانجام (مریم) باردار شد و او را به نقطه دوردستی برد. (22)

درد وضع حمل او را به کنار تنه درخت خرمائی کشاند، (آنقدر ناراحت شد که) گفت ای کاش پیش از این مرده بودم و به کلی فراموش شده بودم. (23)

ناگهان از طرف پائین پایش او را صدا زد که غمگین مباش پروردگارت زیر پای تو چشمه آب (گوارائی) قرار داده است. (24)

و تکانی به این درخت نخل بده تا رطب تازه بر تو فرو ریزد. (25)

از (این غذای لذیذ) بخور، و از (آن آب گوارا) بنوش، و چشمت را (به این مولود جدید) روشن دار، و هر گاه کسی از انسانها را دیدی با اشاره بگو: من برای خدای رحمان روزه گرفته‌ام و با احدی امروز سخن نمی‌گویم (این نوزاد خودش از تو دفاع خواهد کرد). (26)

(مریم) او را در آغوش گرفته به سوی قومش آمد، گفتند:

وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا (15)

وَأذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا (16)

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا (17)

قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا (18)

قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا (19)

قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا (20)

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا (21)

فَحَمَلْنَاهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا (22)

فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا (23)

فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا (24)

وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلِ تُسَاقِطُ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا (25)

فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيَنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا (26)

فَأَاتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا (27)

ای مریم! کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی! (27)
ای خواهر هارون! نه پدر تو مرد بدی بود، و نه مادرت زن
بدکارهای! (28)

(مریم) اشاره به او کرد، گفتند ما چگونه با کودکی که در
گاهواره است سخن بگوئیم؟! (29)
(ناگهان عیسی زبان به سخن گشود) گفت من بنده خدایم
به من کتاب (آسمانی) داده و مرا پیامبر قرار داده است.
(30)

و مرا وجودی پر برکت قرار داده در هر کجا باشم، و مرا
توصیه به نماز و زکات مادام که زنده‌ام کرده است. (31)
و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده، و جبار و شقی قرار
نداده است. (32)

و سلام (خدا) بر من آن روز که متولد شدم و آنروز که
می‌میرم و آنروز که زنده برانگیخته می‌شوم. (33)
اینست عیسی بن مریم، گفتار حقی که در آن تردید
می‌کنند. (34)

هرگز برای خدا شایسته نبود فرزندی انتخاب کند، منزه
است او، هر گاه چیزی را فرمان دهد می‌گوید: موجود باش!
آن هم موجود می‌شود. (35)

و خداوند پروردگار من و شماست، او را پرستش کنید
اینست راه راست. (36)

ولی (بعد از او) گروهها از میان پیروان او اختلاف کردند،
وای به حال کافران از مشاهده روز بزرگ (رستاخیز). (37)
چه گوشه‌های شنوا و چه چشمهای بینائی (در آنروز) که نزد
ما می‌آیند پیدا میکنند؟ ولی این ستمگران امروز در
گمراهی آشکارند. (38)

آنها را از روز حسرت (روز رستاخیز) که برای همه مایه
تاسف است) بترسان، روزی که همه چیز پایان مییابد در
حالی که آنها در غفلتند و ایمان نمی‌آورند. (39)
ما زمین و تمام کسانی را که بر آن هستند به ارث میبریم و
همگی به سوی ما باز میگردند. (40)

در این کتاب از ابراهیم یاد کن که او بسیار راستگو و پیامبر
خدا بود. (41)

هنگامی که به پدرش گفت ای پدر! چرا چیزی را پرستش
میکنی که نمی‌شنود و نمی‌بیند و هیچ مشکلی را از تو حل
نمی‌کند؟! (42)

يَا أُخْتَهُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمَّكَ بَغِيًّا
(28)

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا (29)

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا (30)

وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ
حَيًّا (31)

وَبِرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا (32)

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا (33)

ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ (34)

مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا
يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (35)

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (36)

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ
عَظِيمٍ (37)

أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ
مُبِينٍ (38)

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا
يُؤْمِنُونَ (39)

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ (40)

وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا (41)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُعْنِي
عَنكَ شَيْئًا (42)

يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ
صِرَاطًا سَوِيًّا (43)

ای پدر! علم و دانشی نصیب من شده است که نصیب تو
نشده، بنابراین از من پیروی کن تا تو را به راه راست هدایت
کنم. (43)

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا
(44)

ای پدر! شیطان را پرستش مکن که شیطان نسبت به
خداوند رحمن عصیانگر بود. (44)

يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ
لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا (45)
قَالَ أَرَأَيْبَ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ لَأَرْجُمَنَّكَ
وَأَهْجُرَنِي مَلِيًّا (46)

ای پدر! من از این میترسم که عذابی از ناحیه خداوند
رحمن به تو رسد در نتیجه از دوستان شیطان باشی! (45)
گفت ای ابراهیم آیا تو از خدایان من روی گردانی؟ اگر (از
این کار) دست برداری تو را سنگسار می‌کنم، از من برای
مدتی طولانی دور شو! (46)

قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا (47)

(ابراهیم) گفت سلام بر تو! من به زودی برایت از پروردگارم
تقاضای عفو می‌کنم چرا که او نسبت به من مهربان است.
(47)

وَأَعِزَّنِي لَكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ
بِدَعَاؤِ رَبِّي شَقِيًّا (48)

و از شما و آنچه غیر از خدا می‌خوانید کناره‌گیری می‌کنم،
و پروردگارم را می‌خوانم و امیدوارم دعا بزم در پیشگاه
پروردگارم بیپاسخ نماند. (48)

فَلَمَّا اغْتَرَبْتَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ
وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا (49)

هنگامی که از آنها و از آنچه غیر خدا می‌پرستیدند کناره
گیری کرد ما اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم، و هر یک
را پیامبر بزرگی قرار دادیم. (49)

وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا (50)

و از رحمت خود به آنها ارزانی داشتیم و برای آنها نام نیک
و مقام مقبول و برجسته (در میان همه امتها) قرار دادیم.
(50)

وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا
(51)

در این کتاب (آسمانی) از موسی یاد کن، که او مخلص بود،
و رسول و پیامبر و الامقامی. (51)

وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا (52)

ما او را از طرف راست (کوه) طور فرا خواندیم، و او را
نزدیک ساختیم و با او سخن گفتیم. (52)

وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا (53)

و ما از رحمت خود برادرش هارون را که پیامبر بود به او
بخشیدیم. (53)

وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا
(54)

در کتاب آسمانی خود از اسماعیل یاد کن که او در
وعده‌هایش صادق و رسول و پیامبر بزرگی بود. (54)

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا (55)

او همواره خانواده خود را به نماز و زکات دعوت می‌کرد و
همواره مورد رضایت پروردگارش بود. (55)

وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا (56)

و در این کتاب (نیز) از ادريس یاد کن، او بسیار راستگو و
پیامبر بزرگی بود. (56)

وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا (57)

و ما او را به مقام بلندی رساندیم. (57)
آنها پیامبرانی بودند که خداوند مشمول نعمتشان قرار داده

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ

وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا (58)

بود، از فرزندان آدم و از کسانی که با نوح بر کشتی سوار کردیم، و از دودمان آنها که هدایت کردیم و برگزیدیم، آنها کسانی بودند که وقتی آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می‌شد به خاک می‌افتادند و سجده می‌کردند، در حالی که گریان بودند. (58)

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خُلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا (59)

اما بعد از آنها فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را ضایع کردند و پیروی از شهوات نمودند و به زودی (مجازات) گمراهی خود را خواهند دید. (59)

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا (60)

مگر آنها که توبه کنند، ایمان آورند، و عمل صالح انجام دهند، چنین کسانی داخل بهشت می‌شوند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد. (60)

جَنَاتٍ عَذْنِ الْبَتِي وَعَدَّ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا (61)

باغهایی است جاودانی که خداوند رحمان، بندگانش را به آن وعده داده است، هر چند آن را ندیده‌اند، وعده خدا حتما تحقق یافتنی است. (61)

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لُعْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا (62)

آنها هرگز در آنجا گفتار لغو و بی‌بیهودهای نمی‌شنوند و جز سلام در آنجا سخنی نیست و هر صبح و شام روزی آنها در بهشت مقرر است. (62)

تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا (63)

این همان بهشتی است که ما به ارث به بندگان پرهیزگار می‌دهیم. (63)

وَمَا تَنْتَظِرُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا (64)

ما جز به فرمان پروردگار تو نازل نمی‌شویم آنچه پیش روی ما و پشت سر ما و ما بین این دو میباشد همه از آن او است و پروردگارت هرگز فراموش کار نبوده (و نیست). (64)

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا (65)

همان پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان این دو قرار دارد، او را پرستش کن، و در راه عبادتش شکیبا باش، آیا مثل و مانندی برای او پیدا میکنی؟! (65)

وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ إِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا (66)

انسان می‌گوید: آیا پس از مردن در آینده زنده (از قبر) بیرون خواهم آمد. (66)

أُولَٰئِكَ يَدُكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا (67)

آیا انسان به خاطر نمی‌آورد که ما او را پیش از این آفریدیم در حالی که چیزی نبود. (67)

فَوَرَبِّكَ لَنَخْشَرَنَّهِنَّ وَالشَّيَاطِينِ ثُمَّ لَنَخْضِرَنَّهِنَّ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا (68)

سوگند به پروردگارت که همه آنها را همراه با شیاطین محشور میکنیم، بعد همه را گرداگرد جهنم در حالی که به زانو در آمده‌اند حاضر می‌سازیم! (68)

ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَهْلَهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا (69)

سپس از هر گروه و جمعیتی کسانی را که از همه در برابر خداوند رحمان سرکشتر بوده‌اند جدا میکنیم. (69)

ثُمَّ لَنَحْنُ أَغْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أُولَىٰ بِهَا صِلِيًّا (70)

بعد از آن ما به خوبی از کسانی که برای سوختن در آتش اولویت دارند آگاهیم (و آنها را پیش از دیگران مجازات

خواهیم کرد). (70)

و همه شما (بدون استثنا) وارد جهنم میشوید، این امری است حتمی و فرمانی است قطعی از پروردگارتان!! (71) سپس آنها را که تقوا پیشه کردند از آن رهائی میبخشیم، و ظالمان را در حالی که (از ضعف و ذلت) به زانو در آمده‌اند در آن رها میکنیم. (72)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنها خوانده می‌شود کافران به مؤمنان میگویند کدامیک از دو گروه (ما و شما) جایگاهش بهتر و جلسات انس و مشورتش زیباتر و بخشش او بیشتر است؟! (73)

اقوام بسیاری را پیش از آنها نابود کردیم که هم مال و ثروتشان از اینها بهتر بود و هم ظاهرشان آراسته‌تر! (74) بگو کسی که در گمراهی است خداوند به او مهلت می‌دهد تا زمانی که وعده الهی را با چشم خود ببینند؛ یا عذاب این دنیا یا عذاب آخرت. امروز است که خواهند دانست چه کسی مکانش بدتر و چه کسی لشکرش ناتوان‌تر است؟! (75)

اما کسانی که در راه هدایت گام نهادند خداوند بر هدایتشان میافزاید، آثار و اعمال صالحی که (از انسان) باقی میماند در پیشگاه پروردگار تو ثوابش بیشتر و عاقبتش ارزشمندتر است. (76)

آیا ندیدی کسی را که آیات ما را انکار کرد و گفت اموال و فرزندان فراوانی نصیبم خواهد شد! (77) آیا او از اسرار غیب مطلع گشته، یا نزد خدا عهد و پیمانی گرفته است؟! (78)

هرگز چنین نیست ما به زودی آنچه را او می‌گوید مینویسیم، و عذاب را بر او مستمر خواهیم داشت! (79) آنچه را او می‌گوید (از اموال و فرزندان) از او به ارث میبریم و تک و تنها نزد ما خواهد آمد. (80)

آنها غیر از خدا معبودانی برای خود انتخاب کردند تا مایه عزتشان باشد (چه پندار خامی؟! (81) هرگز چنین نیست، به زودی معبودها منکر عبادت آنها خواهند شد، بلکه بر ضدشان قیام می‌کنند. (82) آیا ندیدی که ما شیاطین را به سوی کافران فرستادیم تا آنها را شدیداً تحریک کنند. (83)

بنابراین در باره آنها عجله مکن ما آنها (و اعمالشان) را دقیقاً

وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا (71)

ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا (72)

وَإِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا (73)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قُرُونٍ هُمْ أَحْسَنُ أَنْثًا وَرَبِّيًّا (74)

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِذَا الْعَذَابُ وَإِنَّمَا السَّاعَةُ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا (75)

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا (76)

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا (77)

أَطَّلَعَ الْغَيْبِ أَمْ اِتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (78)

كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا (79)

وَنَزِيلُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا (80)

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا (81)

كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا (82)

أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تُوَزُّهُمْ أَرُفًا (83)

فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَذَابًا (84)

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا (85)

شماره خواهیم کرد. (84)

در آن روز که پرهیزگاران را به سوی خداوند رحمان (و پاداشهای او) راهنمایی میکنیم. (85)

وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا (86)

و مجرمان را (همچون شتران تشنه‌کامی که به سوی آبگاه میروند) به جهنم میرانیم. (86)

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (87)

آنها هرگز مالک شفاعت نیستند مگر کسی که نزد خداوند رحمان عهد و پیمانی دارد. (87)

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا (88)

آنها گفتند خداوند رحمن فرزندی برای خود اختیار کرده! (88)

لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا (89)

چه سخن زشت و زنده‌های آوردید. (89)

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا (90)

نزدیک است آسمانها بخاطر این سخن از هم متلاشی گردد، و زمین شکافته شود و کوهها به شدت فرو ریزد! (90)

أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا (91)

از این رو که برای خداوند رحمن فرزندی ادعا کردند. (91)

وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا (92)

و هرگز سزاوار نیست که او فرزندی برگزیند. (92)

إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا (93)

تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند بنده اویند. (93)

لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا (94)

همه آنها را احصا کرده و دقیقاً شمرده است. (94)

وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا (95)

و همگی روز رستاخیز تک و تنها نزد او حاضر میشوند. (95)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (96)

کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند خداوند رحمن محبت آنها را در دلها می‌افکند. (96)

فَأَنَّمَا يُسِرَّتْهَا لِلسَّانِكِ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا (97)

ما قرآن را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزکاران را بوسیله آن بشارت دهی و دشمنان سرسخت را انذار کنی. (97)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْرًا (98)

چه بسیار اقوام (بیایمان و گنهکاری) را قبل از آنها هلاک کردیم آیا احدی از آنها را احساس میکنی یا کمترین صدائی از آنان می‌شنوی. (98)

سوره 20: طه

به نام خداوند رحمتگر مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طه. (1)

طه (1)

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکنی. (2)

مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى (2)

فقط آنرا برای یادآوری کسانی که (از خدا) میترسند نازل ساختیم. (3)

إِلَّا تَذَكَّرُ لِمَنْ يَخْشَى (3)

این قرآن از سوی کسی نازل شده که خالق زمین و آسمانهای بلند است. (4)

تَنْزِيلًا مِمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى (4)

او خداوندی است رحمن که بر عرش مسلط است. (5)

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى (5)

- له مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى (6)
- از آن اوست آنچه در آسمانها و زمین و میان این دو و در اعماق زمین وجود دارد. (6)
- وَإِنْ تَجَهَّرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى (7)
- اگر سخن آشکارا بگوئی (یا مخفی کنی) او پنهانیها و حتی پنهانتر از آنرا نیز میداند! (7)
- اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (8)
- او خداوندی است که معبودی جز او نیست و برای او نامهای نیک است. (8)
- وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى (9)
- و آیا خبر موسی به تو رسیده است ؟ (9)
- إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى (10)
- هنگامی که آتشی (از دور) مشاهده کرد و به خانواده خود گفت اندکی مکث کنید که من آتشی دیدم شاید شعله‌ای از آن را برای شما بیاورم، یا به وسیله این آتش راه را پیدا کنم. (10)
- فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى (11)
- هنگامی که نزد آتش آمد ندا داده شد که ای موسی! (11)
- إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى (12)
- من پروردگار توام! کفشهایت را بیرون آر که تو در سرزمین مقدس طوی هستی. (12)
- وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى (13)
- و من تو را (برای مقام رسالت) انتخاب کردم، اکنون به آنچه بر تو وحی می‌شود گوش فرا ده! (13)
- إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (14)
- من الله هستم، معبودی جز من نیست، مرا پرستش کن و نماز را برای یاد من به پادار. (14)
- إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى (15)
- رستاخیز بطور قطع خواهد آمد من می‌خواهم آن را پنهان کنم تا هر کس در برابر سعی و کوشش خود جزا ببیند. (15)
- فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى (16)
- و هرگز نباید افرادی که ایمان به قیامت ندارند و از هوسهای خویش پیروی کردند تو را از آن باز دارند که هلاک خواهی شد. (16)
- وَمَا تَلْكَ بِبِمِينِكَ يَا مُوسَى (17)
- و چه چیز در دست راست توست ای موسی؟! (17)
- قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى (18)
- گفت این عصای من است، بر آن تکیه می‌کنم، برگ درختان را با آن برای گوسفندانم فرو می‌ریزم، و نیازهای دیگری را نیز با آن برطرف می‌کنم. (18)
- قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَى (19)
- گفت ای موسی آنرا بیفکن! (19)
- فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى (20)
- (موسی) آنرا افکند، ناگهان مار عظیمی شد و شروع به حرکت کرد! (20)
- قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى (21)
- فرمود آنرا بگیر و نترس ما آنرا به همان صورت اول باز می‌گردانیم. (21)
- وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَى (22)
- و دست خود را در گریبان تو فرو بر، تا سفید و درخشنده بیعیب بیرون آید، و این معجزه دیگری است. (22)
- لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى (23)
- می‌خواهیم آیات بزرگ خود را به تو نشان دهیم. (23)

- اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ (24)
 قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي (25)
 وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي (26)
 وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي (27)
 يَفْقَهُوا قَوْلِي (28)
 وَاجْعَلْ لِي وِزِيرًا مِّنْ أَهْلِي (29)
 هَارُونَ أَخِي (30)
 اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي (31)
 وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي (32)
 كَيْ تُسَبِّحَكَ كَثِيرًا (33)
 وَتَذَكَّرَ كَثِيرًا (34)
 إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا (35)
 قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَىٰ (36)
 وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ (37)
 إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ (38)
 أَنْ أَدْفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَادْفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ
 يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّي وَعَدُوٌّ لَهُ وَالْقَبِيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ
 عَلَىٰ عَيْنِي (39)
- إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ
 إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ
 الْعَمِّ وَقَتَلْنَاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ
 عَلَىٰ قَدَرٍ يَا مُوسَىٰ (40)
- وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي (41)
 اذْهَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي (42)
 اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ (43)
 فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لِّيْنَا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ (44)
 قَالَ رَبَّنَا إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطَّعِنَا (45)
 قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَىٰ (46)
- برو به سوی فرعون که او طغیان کرده است! (24)
 عرض کرد پروردگارا سینه مرا گشاده دار. (25)
 کار مرا بر من آسان گردان. (26)
 و گره از زبانم بگشا. (27)
 تا سخنان مرا بفهمند. (28)
 وزیری از خاندانم برای من قرار بده. (29)
 برادرم هارون را. (30)
 به وسیله او پشتم را محکم کن. (31)
 و او را در کار من شریک گردان. (32)
 تا تو را بسیار تسبیح گوئیم. (33)
 و تو را بسیار یاد کنیم. (34)
 چرا که تو همیشه از حال ما آگاه بوده‌ای. (35)
 فرمود آنچه را خواسته‌ای به تو داده شد، ای موسی! (36)
 و ما بار دیگر نیز تو را مشمول نعمت خود ساختیم. (37)
 آن زمان که به مادرت آنچه را لازم بود الهام کردیم. (38)
 که او را در صندوقی بیفکن، و آن صندوق را به دریا بینداز،
 تا دریا آنرا به ساحل بیفکند، و دشمن من و دشمن او آنرا
 بگیرد و من محبتی از خودم بر تو افکنم، تا در برابر
 دیدگان (علم) من پرورش یابی. (39)
- در آن هنگام که خواهرت (در نزدیکی کاخ فرعون) راه
 میرفت و میگفت آیا خانواده‌های را به شما نشان دهم که این
 نوزاد را کفالت می‌کند (و دایه خوبی برای اوست) و به دنبال
 آن ما تو را به مادرت بازگرداندیم تا چشمش به تو روشن
 شود، و غمگین نگردد، و تو کسی (از فرعونیان) را کشتی اما
 ما تو را از اندوه نجات دادیم، پس از آن سالیانی در میان
 مردم مدین توقف نمودی و تو را بارها آزمودیم سپس در
 زمان مقدر (برای فرمان رسالت) به اینجا آمدی. (40)
 و من تو را برای خودم پرورش دادم! (41)
 تو و برادرت با آیات من به سوی فرعون بروید، و در یاد من
 کوتاهی نکنید. (42)
 به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است. (43)
 اما به نرمی با او سخن بگوئید شاید متذکر شود یا از (خدا)
 بترسد. (44)
 (موسی و هارون) گفتند: پروردگارا! از این می‌ترسیم که او
 بر ما پیشی بگیرد یا طغیان کند. (45)
 فرمود نترسید، من با شما هستم (همه چیز را) می‌شنوم و

می‌بینم! (46)

شما به سراغ او بروید و بگوئید: ما فرستاده‌های پروردگار توئیم، بنی اسرائیل را با ما بفرست، و آنها را شکنجه و آزار مکن، ما آیت روشنی از سوی پروردگارت برای تو آورده‌ایم و سلام و درود بر آن کس باد که از هدایت پیروی می‌کند.

(47)

(به او بگوئید) به ما وحی شده که عذاب بر کسی است که

(آیات الهی) را تکذیب کند و سرپیچی نماید. (48)

(فرعون) گفت پروردگار شما کیست، ای موسی؟! (49)

گفت: پروردگار ما کسی است که به هر موجودی آنچه را لازم آفرینش او بود داده، سپس رهبریش کرده است. (50)

گفت: پس تکلیف پیشینیان ما چه خواهد شد؟ (51)

گفت: آگاهی مربوط به آنها نزد پروردگار من در کتابی ثبت است پروردگار من هرگز گمراه نمی‌شود و فراموش نمی‌کند.

(52)

همان خداوندی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد، و راههایی در آن ایجاد کرد و از آسمان آبی فرستاد که به وسیله آن انواع گوناگون گیاهان مختلف را (از خاک

تیره) برآوردیم. (53)

هم خودتان بخورید و هم چهارپایانتان را در آن به چرا برید که در این نشانه‌های روشنی است برای صاحبان عقل. (54)

ما شما را از آن (خاک) آفریدیم و در آن باز میگردانیم و از آن نیز بار دیگر شما را بیرون می‌آوریم. (55)

ما همه آیات خود را به او نشان دادیم اما او تکذیب کرد و سر باز زد! (56)

گفت: ای موسی! آیا آمده‌ای که ما را از سرزمینمان با این سحر بیرون کنی؟! (57)

ما هم قطعا سحری همانند آن برای تو خواهیم آورد، هم اکنون (تاریخش را تعیین کن و) میعادی میان ما و خودت قرار ده که نه ما و نه تو از آن تخلف نکنیم، آنهم در مکانی که نسبت به همه یکسان باشد! (58)

گفت میعاد ما و شما روز زینت (روز عید) است، مشروط بر اینکه همه مردم هنگامی که روز بالا می‌آید جمع شوند.

(59)

فرعون آن مجلس را ترک گفت، و تمام مکر و فریب خود را جمع کرد، و سپس همه را (در روز موعود) آورد. (60)

فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنَ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ أَتَبَعَ الْهُدَى (47)

إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى (48)

قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى (49)

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى (50)

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى (51)

قَالَ عَلِمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَّا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى (52)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّى (53)

كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَى (54)

مِنْهَا حَلْقَنَّاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى (55)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى (56)

قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى (57)

فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَّا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى (58)

قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُخَشِرَ النَّاسُ ضُحَى (59)

فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى (60)

قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ وَإِلَّكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ
بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَىٰ (61)

موسی به آنها گفت: وای بر شما دروغ بر خدا نبندید که
شما را با عذاب خود نابود می‌سازد، و نومیدی و (شکست) از
آن کسی است که دروغ (بر خدا) ببندد. (61)

فَتَنَّا زُعُومًا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ وَأَسْرَوْا النَّجْوَىٰ (62)

آنها در میان خود در ادامه راهشان به نزاع برخاستند و
مخفیانه و درگوشی با هم سخن گفتند. (62)

قَالُوا إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ
بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَّىٰ (63)

گفتند: این دو مسلما ساحرند، می‌خواهند شما را با
سحرشان از سرزمینتان بیرون کنند، و آئین عالی شما را از
بین ببرند! (63)

فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ اتُّو صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَىٰ
(64)

اکنون که چنین است تمام نیرو و نقشه خود را جمع کنید
و در یک صف (به میدان مبارزه) بیایید، و رستگاری امروز از
آن کسی است که برتری خودش را اثبات کند! (64)

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقَىٰ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنِ الْقَىٰ (65)

(ساحران) گفتند ای موسی آیا تو اول (عصای خود را)
می‌افکنی یا ما اول بیفکنیم؟! (65)

قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِن سِحْرِهِمْ
أَنَّهُ تَسْعَىٰ (66)

گفت: شما اول بیفکنید، در این هنگام طنابها و عصاهایشان
بخاطر سحر آنها چنان به نظر می‌رسید که حرکت می‌کنند!
(66)

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَىٰ (67)

در این هنگام موسی ترس خفیفی در دل احساس کرد.
(67)

قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ (68)

گفتیم: نترس تو مسلما (پیروز و) برتری! (68)

وَأَلْقَىٰ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفَ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٍ وَلَا
يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ (69)

و چیزی را که در دست راست داری بیفکن، تمام آنچه را
آنها ساخته‌اند می‌بلعد، چرا که آن تنها مکر ساحر است، و
ساحر هر کجا برود رستگار نخواهد شد. (69)

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ (70)

(موسی عصای خود را افکند، و آنچه را که آنها ساخته بودند
بلعید) ساحران همگی به سجده افتادند و گفتند: ما به
پروردگار موسی و هارون ایمان آوردیم!! (70)

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنِ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ
السَّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأَصْلَبَنَّكُمْ فِي
جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ أَنَّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَىٰ (71)

(فرعون) گفت آیا پیش از آنکه به شما اذن دهم به او ایمان
آوردید؟! مسلما او بزرگ شماست که سحر به شما آموخته،
بیقین دست و پاهای شما را بطور مختلف قطع می‌کنم و بر

قَالُوا لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ النَّبِيَّاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ
مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَفْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (72)

فراز شاخه‌های نخل به دار می‌آویزم، و خواهید دانست
کدامیک از ما مجازاتش دردناکتر و پایدارتر است! (71)

گفتند به خدائی که ما را آفریده ما تو را هرگز بر دلائل
روشنی که به ما رسیده مقدم نخواهیم داشت، هر حکمی
میخواهی بکن که تنها میتوانی در این زندگی دنیا داوری
کنی. (72)

إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِنَعْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السَّحْرِ
وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ (73)

ما به پروردگارمان ایمان آوردیم تا گناهان ما و آنچه را از
سحر بر ما تحمیل کردی ببخشد، و خدا بهتر و باقیتر است.

(73)

هر کس مجرم در محضر پروردگارش حاضر شود آتش دوزخ برای اوست، که نه در آن میمیرد و نه زنده می‌شود! (74)

و هر کس مؤمن باشد و عمل صالح انجام داده باشد در محضر او حاضر شود درجات عالی برای اوست. (75)
باغهای جاویدان بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است همیشه در آن خواهند بود و اینست پاداش کسی که خود را پاک کند! (76)

ما به موسی وحی فرستادیم که بندگانش را شبانه (از مصر) با خود ببر، و برای آنها راهی خشک در دریا بگشا که نه از تعقیب (فرعونیان) خواهی ترسید، و نه از غرق شدن در دریا! (77)

(به این ترتیب) فرعون با لشگریانش آنها را دنبال کردند، و دریا آنان را (در میان امواج خروشان خود) بطور کامل پوشانید! (78)

و فرعون قوم خود را گمراه ساخت، و هرگز هدایت نکرد! (79)

ای بنی اسرائیل ما شما را از (چنگال) دشمنان نجات دادیم، و در طرف راست کوه طور با شما وعده گذاردیم، و من و سلوی بر شما نازل کردیم. (80)
بخورید از روزیهای پاکیزهای که به شما دادیم، ولی در آن طغیان نکنید که غضب من بر شما وارد خواهد شد، و هر کس غضبم بر او وارد شود سقوط می‌کند. (81)
من کسانی را که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند و سپس هدایت شوند می‌آمزم. (82)
ای موسی چه چیز سبب شد که از قومت پیشی گیری و (برای آمدن به کوه طور) عجله کنی؟! (83)

عرض کرد: پروردگارا! آنها به دنبال منند، و من عجله کردم به سوی تو تا از من راضی شوی. (84)
فرمود ما قوم تو را بعد از تو به آزمایش گذاردیم، و سامری آنها را گمراه کرد! (85)

موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت و گفت: مگر پروردگار شما وعده نیکوئی به شما نداد؟ آیا مدت جدائی من از شما بطول انجامیده؟ یا میخواستید غضب پروردگارتان بر شما نازل شود که با وعده من مخالفت کردید؟! (86)

إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى (74)

وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى (75)

جَنَّاتٍ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى (76)

وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى (77)

فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ (78)

وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى (79)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى (80)

كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحِلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى (81)

وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى (82)

وَمَا أَغْوَيْنَاكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى (83)

قَالَ هُمْ أَوْلَاءُ عَلَى أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى (84)

قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ (85)

فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلِمْتُمْ بِعِدَّتِكُمْ رَبِّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي (86)

قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حُمِّلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ (87)

گفتند: ما به میل و اراده خود از وعده تو تخلف نکردیم، ولی ما مقداری از زینت آلات قوم را که با خود داشتیم افکندیم، و سامری اینچنین القا کرد. (87)

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَهُ (88)

و برای آنها مجسمه‌های از گوساله که صدائی همچون صدای گوساله داشت خارج ساخت، و گفتند این خدای شما و خدای موسی است! و او فراموش کرد (پیمانی را که با خدا بسته بود). (88)

أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا (89)

آیا آنها نمی‌بینند که (این گوساله) پاسخ آنها را نمی‌دهد؟ و مالک هیچگونه نفع و ضرری از آنها نیست؟! (89)

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي (90)

و هارون قبل از آن به آنها گفته بود که ای قوم! شما به این وسیله مورد آزمایش قرار گرفتید، پروردگار شما خداوند رحمان است، از من پیروی کنید و اطاعت فرمان من نمائید. (90)

قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ (91)

ولی آنها گفتند ما همچنان بر گرد آن میگردیم (و به پرستش گوساله ادامه می‌دهیم) تا موسی به سوی ما بازگردد! (91)

قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا (92)

گفت: ای هارون! چرا هنگامی که دیدی آنها گمراه شدند. (92)

أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي (93)

از من پیروی نکردی؟! آیا فرمان مرا عصیان نمودی؟! (93) گفت: ای فرزند مادرم! ریش و سر مرا مگیر! من ترسیدم بگویی تو میان بنی - اسرائیل تفرقه انداختی و سفارش مرا به کار نبستی. (94)

قَالَ يَا إِبْنِ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي (94)

(موسی رو به سامری کرد و) گفت، تو چرا این کار کردی، ای سامری؟! (95)

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ (95)

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي (96)

گفت: من چیزی دیدم که آنها ندیدند، من قسمتی از آثار رسول (و فرستاده خدا) را گرفتم، سپس آنرا افکندم، و این چنین نفس من مطلب را در نظرم جلوه داد! (96)

قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا (97)

(موسی) گفت: برو که بهره تو در زندگی دنیا این است که (هر کس با تو نزدیک شود) خواهی گفت با من تماس نگیر! و تو می‌عادی (از عذاب خدا) داری که هرگز از آن تخلف نخواهی کرد، (اکنون) بنگر به معبودت که پیوسته آن را پرستش می‌کردی و ببین ما آنرا نخست می‌سوزانیم، سپس ذرات آن را به دریا می‌پاشیم! (97)

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا (98)

معبود شما تنها خداوندی است که جز او معبودی نمی‌باشد، و علم او همه چیز را فرا گرفته. (98)

كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا

اینچنین اخبار گذشته را برای تو بازگو می‌کنیم، و ما از

ذِكْرًا (99)

مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا (100)

ناحیه خود ذکر (و قرآنی) به تو دادیم. (99)

هر کس از آن روی گردان شود روز قیامت بار سنگینی (از

گناه و مسئولیت) بر دوش خواهد داشت! (100)

جاودانه در آن خواهند ماند، و بد باری است برای آنها در

روز قیامت! (101)

خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا (101)

همان روز که در صور دمیده می‌شود و مجرمان را با بدنهای

کبود در آن روز جمع می‌کنیم. (102)

آنها در میان خود آهسته گفتگو می‌کنند (بعضی می‌گویند)

شما تنها ده (شبانه روز در عالم برزخ) (103)

ما به آنچه آنها می‌گویند آگاه تریم، هنگامی که آن کس که

از همه آنها روشی بهتر دارد می‌گوید شما تنها یک روز

درنگ کردید! (104)

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا (102)

يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا (103)

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْئَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا

يَوْمًا (104)

و از تو در باره کوهها سؤال می‌کنند، بگو: پروردگارم آنها را

(متلاشی کرد). (105)

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا (105)

سیس زمین را صاف و هموار و بیاب و گیاه رها می‌سازد!

(106)

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا (106)

به گونه‌ای که در آن هیچ پستی و بلندی نمی‌بینی! (107)

در آن روز همگی از دعوت کننده الهی پیروی کرده (و

دعوت او را به حیات مجدد لبیک می‌گویند) و همه صداها

در برابر (عظمت) خداوند رحمان خاضع می‌گردند، و جز

صدای آهسته چیزی نمی‌شنوی! (108)

لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا (107)

يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ

فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا (108)

در آن روز شفاعت (هیچکس) سودی نمی‌بخشد، جز کسی

که خداوند رحمان به او اجازه داده و از گفتار او راضی است.

(109)

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا

(109)

آنچه را آنها (مجرمان) در پیش دارند و آنچه را (در دنیا)

پشت سر گذاشتند می‌داند، ولی آنها احاطه به (علم) او

ندارند. (110)

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا (110)

و همه چهره‌ها (در آن روز) در برابر خداوند حی قیوم

خاضع می‌شود، و مایوس (و زیانکار) کسانی که بار ظلم بر

دوش کشیدند! (111)

وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا (111)

(اما) آن کس که اعمال صالحی انجام دهد در حالی که مؤ

من باشد نه از ظلمی می‌ترسد، و نه از نقصان حقش. (112)

و اینگونه آنرا قرآنی عربی (فصیح و گویا) نازل کردیم، و

انواع وعیدها (و اندازار) را در آن بازگو نمودیم، شاید آنها تقوا

پیشه کنند، یا برای آنان تذکری ایجاد نماید! (113)

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا

هَضْمًا (112)

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ

يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا (113)

پس بلند مرتبه است خداوندی که سلطان حق است، و

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى

إِلَيْكَ وَخَيْبُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا (114)

نسبت به قرآن عجله مکن پیش از آن که وحی آن بر تو تمام شود، و بگو پروردگارا علم مرا افزون کن! (114)

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا (115)

ما از آدم از قبل پیمان گرفته بودیم، اما او فراموش کرد، عزم استواری برای او نیافتیم! (115)

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ (116)

آن هنگام که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، همگی سجده کردند جز ابلیس که سر باز زد (و سجده نکرد). (116)

فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِرَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰ (117)

گفتیم: ای آدم این دشمن تو و همسر تو است، مبادا شما را از بهشت بیرون کند که به زحمت و رنج خواهی افتاد. (117)

إِنَّ لَكَ أَلًا تَجُوعُ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ (118)

(اما تو در بهشت راحت هستی) در آن گرسنه نمی‌شوی، و برهنه نخواهی شد. (118)

وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَىٰ (119)

و در آن تشنه نمی‌شوی و حرارت آفتاب آزارت نمی‌دهد! (119)

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَىٰ (120)

ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت ای آدم! آیا می‌خواهی تو را به درخت عمر جاویدان و ملک فناپذیر راهنمایی کنم؟! (120)

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ رَوْقِ الْجَنَّةِ وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ (121)

سرانجام هر دو از آن خوردند (و لباس بهشتیشان فرو ریخت) و عورتشان آشکار گشت و از برگهای (درختان) بهشتی برای پوشاندن خود جامه دوختند، (بالاخره) آدم نافرمانی پروردگارش را کرد و از پاداش او محروم شد! (121)

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ (122)

سپس پروردگارش او را برگزید و توبه‌اش را پذیرفت، و هدایتش کرد. (122)

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فِيمَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ (123)

(خداوند) فرمود: هر دو (همچنین شیطان) از آن (بهشت) فرود آئید، در حالی که دشمن یکدیگر خواهید بود، ولی هر گاه هدایت من به سراغ شما آید هر کس از هدایت من پیروی کند نه گمراه می‌شود، و نه در رنج خواهد بود. (123)

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَىٰ (124)

و هر کس از یاد من رویگردان شود زندگی تنگ (و سختی) خواهد داشت، و روز قیامت او را نابینا محسور میکنیم. (124)

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا (125)

می‌گویند: پروردگارا! چرا ما نابینا محسور کردی؟ من که بینا بودم! (125)

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا كَذَلِكَ الْيَوْمِ تُنْسَىٰ (126)

میفرماید: این بخاطر آن است که آیات من به تو رسید و آنها را فراموش کردی. امروز نیز تو فراموش خواهی شد!

(126)

وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى (127)

است! (127)

آیا برای هدایت آنها کافی نیست که بسیاری از پیشینیان را (که طغیان و فساد کردند) هلاک کردیم و اینها در مساکن (ویران شده) آنان رفت و آمد دارند در اینها دلائل روشنی است برای صاحبان عقل. (128)

و اگر سنت و تقدیر پروردگارت و ملاحظه زمان مقرر نبود عذاب الهی به زودی دامان آنها را میگرفت. (129)

بنابراین در برابر آنچه آنها می‌گویند صبر کن و قبل از طلوع آفتاب و پیش از غروب آن و همچنین در اثناء شب و اطراف روز تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور تا خشنود شوی.

(130)

و هرگز چشم خود را به نعمتهای مادی که به گروههایی از آنها داده‌ایم میفکن که اینها شکوفه‌های زندگی دنیاست و برای آنست که آنان را با آن بیازمائیم و روزی پروردگارت بهتر و باید (131)

و خانواده خود را به نماز دستور ده و بر انجام آن شکیبا باش ما از تو روزی نمی‌خواهیم بلکه ما به تو روزی می‌دهیم و عاقبت نیک برای تقوا است. (132)

و آنها گفتند چرا (پیامبر) معجزه و نشانه‌های از سوی پروردگارش برای ما نمی‌آورد بگو آیا خبرهای روشن اقوام پیشین که در کتب آسمانی نخستین بوده است برای آنها نیامد. (133)

و اگر ما آنها را قبل از آن (قبل از نزول قرآن) با عذابی هلاک میکردیم (در قیامت) میگفتند پروردگارا چرا برای ما پیامبری نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم پیش از آنکه دلیل و رسوا شویم. (134)

بگو همه (ما و شما) در انتظاریم (ما در انتظار وعده پیروزی بر شما هستیم و شما در انتظار شکست ما) حال چنین است انتظار بکشید اما به زودی میدانید چه کسی از اصحاب صراط مستقیم است و چه کسی هدایت یافته است. (135)

أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّأُولِي النَّهْيِ (128)

وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى (129)

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ (130)

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفِثَنَّهُمْ فِيهِ وَرَزَقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ (131)

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ (132)

وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ أُولَٰئِكَ تَأْتِيهِمْ بَيِّنَةٌ مَّا فِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ (133)

وَلَوْ أَنَا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَىٰ (134)

قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ (135)

